

پیشماداتی در خصوص کتیبه اورارتویی دستبند تول تالش

دکتر مریم دارا*

استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، متون و کتیبه‌ها، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده

اورارتوها از قرن نهم ق.م تا حدود سه سده پادشاهی خود را در اطراف دریاچه‌های وان، اورمیه و سوان گسترش دادند. دستبند مفرغی تول تالش با کتیبه‌ای اورارتویی توسط پژوهشگرانی بررسی شده است و آن را نشانگر بسط مرزها یا تأثیرات اورارتوها یا شیئی غنیمت گرفته شده و کتیبه آن را متعلق به آرگیشتی اول یا ساردوری دوم می‌دانند. اما، لحیم دستبند موجب خوانش‌های گوناگون متن آن شده و توجه را از نقاط دیگر دستبند منحرف کرده است. فلزنبشته با بی‌دقتی و ترکیبی از رسم‌الخط‌های مختلف ایجاد شده و تشخیص دوره نگارش آن را مشکل کرده است. کتیبه دو واژه ^mar-giš-ti و šš-tú-ú دارد که می‌توانسته šš-tú-ú-ni یا šš-tú-ú-ri یا šš-tú-ú-li باشد. نگارنده بر این نظر است که این دستبند طبق سنتی باستانی می‌توانسته از محوطه‌ای به محوطه دیگر انتقال یابد و شاید از ابتدا از دو قسمت از دو جای مختلف از یک کتیبه بزرگ‌تر ساخته شده و به هم لحیم و به شکل دستبند درآمده و تزئین شده است. واژگان ابتدا و انتهای کتیبه ناقص هستند و شاید سازنده به دلیل نام آرگیشتی و برای اینکه آن را به اندازه لازم در آورد به بخش دیگری که ni-ee šš-tú-ú بوده متصل کرده و به دستور آن بی‌توجه بوده یا به اورارتویی تسلط نداشته است. در این صورت ترجمه کتیبه به شکل به هم پیوسته جایز نیست چون دو واژه مجزای «آرگیشتی» و «اهدا کرد...» هستند. وجود hi بنوت در زیر لحیم دستبند نیز غیرممکن نیست. نگارنده به دلیل رسم‌الخط بد دستبند آن را تقدیم شده به خالدی نمی‌داند.

واژگان کلیدی: اورارتویی، دستبند مفرغی، تول تالش، آرگیشتی، رسم‌الخط‌های جدید و رنسانس.

درآمد

شاهی، مذهبی، نظامی، هنری، اقتصادی و نوشته‌های مربوط به زندگی روزمره به خط میخی نگاشته می‌شد و بر انواع جنگ‌افزارها، مهرهای سلطنتی و مذهبی، پیکرک‌ها، سنگ‌ها، صخره‌ها، استل‌ها (کتیبه‌های یادمانی)، الواح، اشیاء فلزی، زیورآلات، اثاثیه، سفال و آثار دیگر دیده می‌شود. در زمان ساردوری اول (حدود ۸۴۰-۸۳۰ ق.م) از خط میخی آشوری برای نوشتن استفاده می‌شد. اما، آشوری بعداً در نوشته‌های دوزبانه، زبان و خط دوم شد. بدین صورت که ابتدا خط و زبان آشوری هر دو با هم استفاده می‌شد یعنی اولین مدارک

اورارتوها از حدود قرن نهم به مدت بیش از دو سده پادشاهی خود را در سرزمین‌های میان دریاچه‌های وان، اورمیه و سوان گسترش دادند (Zimansky, 1995: 104). آن‌ها زبانی هم‌خانواده با حوری‌ها داشتند (Benedict, 1960: 101; Diakonoff, 1967: 7; Fournet, 2011: 43) و از سه روش نگارش میخی آشوری، میخی اورارتویی و هیروگلیف استفاده می‌کردند. کتیبه‌های دوزبانه میخی اورارتویی گاهی با هیروگلیف اورارتویی یا میخی آشوری همراه بود. کتیبه‌های

دستبند تول تالش با کتیبه اورارتویی

دستبندی مفرغی در سال ۱۳۸۱، طی کاوش‌های محمدرضا خلعتبری، در گور دلمن^۱ شماره ۱ گورستان محوطه تول در غرب دره کرگانرود جنوبی، در ۴۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان تالش، ۴۲ کیلومتری غرب هشت پر به دست آمد. بخشی از گور مذکور به دلیل حفاری‌های غیرمجاز کاملاً تخریب شده و اسکلتی که این دستبند همراه آن بوده به دلیل رطوبت آسیب بسیار دیده و مطالعه انسان‌شناسی بر آن مشکل بود (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۳۱). به گزارش کوناردیلر (Konard, 2010: 61, 69) این گور احتمالاً متعلق به زن است و گور چند بار در ادوار گوناگون مورد استفاده قرار گرفته و اشیاء ادوار مختلف در آن قرار دارد. البته بیشتر اشیاء متعلق به هزاره اول ق.م هستند. اما این گونه به نظر رسید که دستبند هدیه‌ای به صاحب گور است. وحدتی (Vahdati, 2007: 129) گور را از هزاره دوم ق.م می‌داند. اما دستبند این گور را متعلق به قرن ششم تا چهارم ق.م می‌پندارد. در این گورستان تیردان اورارتویی نیز از گور شماره ۲۴ به دست آمده است. این دستبند هم اکنون در موزه رشت با شماره اموال ۸۰۶۳ نگهداری می‌شود.

دوازده‌نگو در این فصل کاوش‌ها به دست آمد که همگی از دو سر باز، برخی کاملاً ساده و بدون تزئینات و برخی دو سر مارشکل داشتند (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۵۰). کتیبه این دستبند در میان اشیاء دیگر منحصر بفرد است (Dalalian & Grekian, 2004: 3). این دومین نمونه یافت شده در گیلان از خط میخی پس از کتیبه اکدی در مارلیک است (Negahban, 1996: 211-212).

دستبند مذکور به شکل نواری مفرغی است که در دو سر پهن‌تر شده است. دو سوی دستبند با پرچی در میان آن به یکدیگر متصل شده‌اند. در داخل دستبند یک خط کتیبه اورارتویی نوشته شده و در بیرون آن تزئینات هندسی به چشم می‌خورد. تزئینات در طول دستبند به شکل دو ردیف تاروپود مورب با فاصله نیم میلی‌متری از بالا و پایین دستبند ایجاد شده که در دو سر دستبند، جهت تزئینات به شکل سه ردیف عمودی

شاهنشاهی اورارتو فقط به آشوری است (در زمان ساردوری اول). سپس خط میخی آشوری برای نگارش زبان اورارتویی استفاده شد و متون دوزبانه اورارتویی-آشوری نوشته می‌شدند. پس از آن زبان آشوری در میان اورارتویی‌ها دیگر استفاده نمی‌شد و فقط خط آشوری برای نگارش زبان اورارتویی مورد استفاده قرار گرفت و حتی نشانه‌هایی نیز برای نگارش بهتر زبان اورارتویی ابداع شد (Dinçol & Dinçol, 2003-2004: 124-125).

مقاله حاضر حاصل پژوهش‌های نگارنده بر روی دستبند اورارتویی تول تالش است که پیش‌تر بزرگانی همچون خلعتبری، بشاش، رزمجو، پاتس، سالوینی، دلایان و گرکیان بر آن پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. اما نگارنده با احترام فراوان به نظرات پیشین اندیشه‌های خود را درباره خط‌شناسی دقیق و جزئیات زبان‌شناسی در کتیبه این دستبند ارائه می‌کند. نگارنده ابتدا به معرفی اندک فلزکاری نزد اورارتوها می‌پردازد و سپس نتایج پژوهش‌های خود بر این دستبند را بیان می‌کند.

فلزکاری نزد اورارتوها

اورارتوها معادن فلزات و صنعتگرانی توانمند (میلیکشویلی، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۵) و دانش برجسته و توانمندی بالایی برای تولید اشیاء داشتند (Ruder & Merhav, 1991: 334). همچنین آن‌ها مفرغ‌کاران زنده‌ای بودند (پیترفوسکی، ۱۳۸۳: ۲۳۷). اشیاء فلزی کتیبه‌دار اورارتوها از زمان ایشوپینی تا روسا سوم به دست آمده‌اند، اما از دوران پادشاهی ساردوری اول، بنیان‌گذار پادشاهی اورارتو، هنوز فلزنبشته‌ای به دست نیامده است. البته درصد کم‌تری از اشیاء اورارتویی کتیبه دارند و این اشیاء نیز بیشتر از جنس مفرغ هستند (Belli, 1991: 44-46).

بر خلاف کتیبه‌های بلند اورارتویی که نشانگر فتوحات و ساخت‌وسازهای پادشاهان بود، کتیبه‌های کوتاه بر اشیاء اورارتویی نشانگر آن است که این شیء به کدام شاه تعلق دارد یا در چه زمانی ساخته شده یا به کدام رب‌النوع تقدیم شده است (Dioool & Dioool, 2003-2004: 124). در اکثر مواقع، و نه همواره، جملات کلیشه‌ای در فلزنبشته‌های اورارتویی مشاهده می‌شود.

گفت منظور از کتیبه کدام آرگیشتی است. دو میخ عمودی در giš و ti به شکلی نوشته شده‌اند که در فلزنبشته‌های اورارتویی اندک است و بالای میخ به شکل هفت و سوزنی است. این‌ها نشان می‌دهند که کاتب دقتی در نگارش نداشته و فواصل گوناگون میان نشانه‌ها حاکی از آن است که کاتب بر زیبانویسی اصراری نداشته است.

اولین میخ نشانه ar بریده شده و سوراخی در میانه نشانه‌های باقی مانده ایجاد شده که خوانش میخ‌ها را دشوار نمی‌کند. آخرین نشانه نیز فقط به a می‌ماند که سوراخ و بریده شدن انتهای دستبند به آن آسیب رسانده است بنا بر این پس از آن، نشانه‌های ri یا ni یا li می‌توانسته باشد. آخرین میخ کتیبه که سوراخ انتهای دستبند بر آن ایجاد شده می‌تواند رو به پایین بوده باشد تا a بسازد چون غیر از هجای a هیچ نشانه‌ای در این واژه نمی‌تواند بشیند.

سالوینی (Salvini, 2008: 56, B 9-32) و رزمجو (۱۳۸۳: ۹۵) بر این نظرند که میان ti و ni باید hi بوده باشد که آسیب دیده و شکستگی از آنجاست و در زیر پرچ قرار گرفته است. دلایان و گرکیان عدم نگارش hi را عجیب می‌پندارند اما آن‌ها نیز گمان می‌کنند این هجا در زیر لحیم قرار گرفته است (Dalalian & Grekian, 2004: 3-4). اگر hi نوشته شده بود علامت بنوت است و در واقع صاحب این کتیبه پسر آرگیشتی است نه خود آرگیشتی. اما این نکته نیز باید در نظر گرفته شود که اورارتوها نام خود را بدون نام پدر خود ممکن بود بیاورند اما، نام پدر خود را به تنهایی و بدون نام خود نمی‌آوردند. اگر وجود hi را در زیر لحیم بپذیریم نام خود شاه نیز در ابتدای کتیبه بوده که به دلایلی من جمله اندازه یا استفاده از نام آرگیشتی به تنهایی بریده شده است. صورت‌های ممکن برای واژه آرگیشتی که از وسط بریده شده این شکل‌ها می‌تواند باشد: ar-giš-ti-ni-li، ar-giš-ti-ni، ar-giš-ti-hi-ni-ee، ar-giš-ti-ee، ar-ti-giš-ee ولی ar-giš-ti-ni-ee به لحاظ دستوری و شکل واژه صحیح نیست. اگر hi زیر پرچ نباشد این احتمال باقی می‌ماند که سازنده دستبند صرفاً به دلیل نام آرگیشتی به هر دلیل این بخش از کتیبه را از شیء دیگری بریده و برای اینکه آن را به اندازه لازم در آورد آن را به بخش

در آمده است. ردیف افقی بالا ۰.۳ و پایینی ۰.۴ سانتی‌متر عرض دارد. در دو انتهای دستبند نیز سوراخ‌هایی وجود دارد. دو ردیف تزئینات زمانی که به نزدیکی دو سر دستبند رسیده به اندازه نیم میلی‌متر از بالا و پایین عریض شده‌اند. رو هم آمدن دستبند نیز نشان‌گر آن است که این بریدگی به شکل کج بوده است. طول دستبند ۱۵ سانتی‌متر و عرض آن ۱.۲ سانتی‌متر در سمت راست کتیبه و یک سانتی‌متر در سمت چپ آن است. سمت چپ و راست دستبند بر اساس جهت نگارش کتیبه تعیین شده است. در پایین کتیبه به شکلی که به نوشته آسیبی نرسیده دو بخش کوچک کنده شده دیده می‌شود. ارتفاع میخ‌های عمودی کتیبه حدود ۰.۳ سانتی‌متر است.

حرف‌نویسی کتیبه به صورت زیر است:

[^ma]r-giš-ti (پرچ‌شدگی) ni-ee šš-tú-^rú

ترجمه آن معادل «آرگیشتی (پرچ‌شدگی) اهدا کرد [...]»

می‌شود.

شکل میخ‌های کتیبه دستبند عجیب و تلفیقی از میخ‌های ویژه رسم‌الخط جدید (از زمان مینوا تا روسا اول) و میخ‌های نوع رنسانس (از زمان آرگیشتی دوم تا پایان اورارتوها) است که مشابه دوران قدیم و اولیه است. بنا بر این تشخیص اینکه دستبند از آن آرگیشتی اول یا دوم است مشکل می‌شود. پیش‌تر از این نیز فلزنبشته‌هایی از منوآ و آرگیشتی اول در گیلان به دست آمده است. دو چشم‌بند اسب کتیبه‌دار از حفاری‌های املش دیلمان گیلان به دست آمده‌اند که در مجموعه فروغی قرار داشتند (Ghirshman, 1964: 49) و اکنون در موزه مونیخ نگهداری می‌شوند (Gropp, 1981: 103-104). بشاش (۱۳۸۳: ۸۸) کتیبه دستبند را مربوط به آرگیشتی اول و رزمجو (۱۳۸۳: ۹۵) آن را متعلق به فرزند آرگیشتی اول (ساردوری دوم) می‌داند نه آرگیشتی دوم (رزمجو، ۱۳۸۳: ۹۷). دلایان و گرکیان می‌پندارند که کتیبه می‌تواند یا به ساردوری دوم و یا روسای دوم فرزند آرگیشتی تعلق داشته باشد ولی رسم‌الخط به ساردوری دوم می‌ماند (Dalalian & Grekian, 2004: 4). سالوینی (Salvini, 2008: 56, B 9-32) نیز کتیبه را متعلق به ساردوری دوم می‌داند اما، چون شکل میخ‌ها تلفیقی از نوع میخ‌های رسم‌الخط جدید و رنسانس است نمی‌توان به طور دقیق

لحیم شده‌اند. شاید کاتب بدون اطلاع یا اهمیت دادن به نکات دستوری و شاید فقط به خاطر استفاده از نام آرگیشتی آن را از جایی از کتیبه‌ای جدا کرده و به بخش دیگری اضافه کرده باشد یعنی دو واژه مجزای «آرگیشتی» و «اهدا کرد...» در اینجا به یکدیگر پیوسته نبوده‌اند در این صورت ترجمه کتیبه به شکل به هم پیوسته جایز نیست. منظور نگارنده این است که شاید دستبند صرفاً به دلیل نام آرگیشتی به هر دلیل از کتیبه‌ای بزرگتر بریده و سازنده برای اینکه آن را به اندازه لازم در آورد به بخش دیگری که *ni-ee šš-tú-ú* بوده متصل کرده است و در قید و بند دستوری آن نبوده یا به زبان اورارتویی تسلط نداشته است.

دو ردیف تزئینات روی دستبند در دو انتهای باز آن کمی ضخیم‌تر شده‌اند. البته از سویی واژگان ابتدا و انتهای کتیبه داخل دستبند ناقص هستند. بنا بر این شاید این کتیبه ابتدا از کتیبه‌ای بزرگتر جدا شده و تبدیل به دستبند شده و دو سر آن سوراخ شده است و سپس روی آن را تزئین کرده‌اند و تزئینات در دو سر آن را به صورت ضخیم‌تر در آورده‌اند. همچنین چون تزئینات در دو سر عریض‌تر شده‌اند احتمال بریده شدن این نوار از دور ظرفی دیگر اندک می‌شود. مگر آنکه ابتدا نوار کتیبه‌داری از ظرفی جدا شده و سپس پشت آن تزئین شده باشد. البته رزمجو (۱۳۸۳: ۹۶) با استناد بر اینکه وجود کتیبه‌ای شاهی بر دستبند منطقی نیست و همچنین با توجه به عدم تطابق تزئینات روی دستبند و میخ‌های حکاکی شده بر این نظر است که این دستبند از ابتدا به شکل دستبند ساخته نشده بلکه از شیئی دیگر مانند یک پلاک مفرغی یا جامی بریده و به شکل دستبند درآمده و سوراخ‌های انتهای آن بعداً و در شیء اصلی اولیه ایجاد شده‌اند. همچنین به این دلیل که اهداشده توسط شاه بوده پس به مکانی مقدس تعلق داشته و به خدایی همچون خالدی تقدیم شده است. نگارنده با این نظر مخالف است چون اشیاء بسیاری به خدایانی غیر از خالدی و مانند هوتوینی^۱، شیوینی^۲، خدای طوفان^۳، الیپوری^۴، کوئرا^۵، شیبو^۶ (Salvini, 2008:)

دیگری که *ni-ee tú-ni* بوده متصل کرده و در قید و بند دستوری آن نبوده است. یعنی *ar-gi-ti* را از یک قسمت و *xx-ni-ee* را از جای دیگر بریده و به یکدیگر متصل کرده است. فعل متعدی *šš-tu-ni* در واقع این گونه ساخته شده است: *ttt* بن علاوه *u* نشانه فعل متعدی که می‌تواند به شکل *ú* نیز نوشته شود و پایانه به آن اضافه گردد. گاهی اورارتوها *ú* دیگری نیز در ادامه به *u* یا *ú* متعدی‌ساز می‌افزودند که نقشی نداشت.

سالوینی (Salvini, 2008: 56, B 9-32) چنین بازسازی

از کتیبه دستبند ارائه داده است:

[^Dhal-di-e e-ú-ri-e i-ni x^{MD}sar5-du-ri-ee^{ma}]r-giš-ti-[hi]-ni-ee šš-tú-n[*i ul-gu-ii-ia-ni e-di-ni*]
این در صورتی است که بپذیریم دستبند از کتیبه‌ای پشت سر هم ساخته شده و از دو بخش مجزا نبوده است. اثبات این بازسازی مشکل است چون بخش بازسازی بسیار طولانی است. همچنین باید افزود *šš-tú-ni* فقط در زمان آرگیشتی اول فقط یک بار در سنگ‌نبشته‌های سالنامه او آمده (Salvini, 2008: §2 l.s 8-1, 328)، که بلندترین کتیبه اورارتویی است. یکی نیز در زمان ساردوری اول به صورت *šš-tú-ri* به کار رفته است (Salvini, 2008: 424-425, 9-3 IV, 'ddd') در فلزنبشته‌ها از آرگیشتی اول و فرزندش ساردوری، آرگیشتی دوم و فرزندش روسا، روسا فرزند اریمنه و ساردوری فرزند ساردوری صورت‌های *šš-tú-ni* و *šš-tú-ú-ni* و *šš-tú-li* (Salvini, 2012) آورده شده است. بنا بر این صورت‌های گوناگون این واژه در زمان‌های مختلف استفاده شده است و نمی‌توان از روی شکل واژه زمان کاربری آن را حدس زد. بنا بر این واژه دوم می‌تواند *šš-tú-ú-ni* یا *šš-tú-ú-ri* یا *šš-tú-ú* بوده باشد.

بشاش (۱۳۸۳: ۸۹؛ ۱۳۹۰: ۷۴) کتیبه این دستبند را «فرستاده یا هدیه آرگیشتی» ترجمه و آن را با *NIG^mar-gi-šš-ti-e* و با استناد به کونینگ (König, 1955-1957: s.185) با *haldi-* (ni-ee^{LU}IR-ee مقایسه کرده است. رزمجو (۱۳۸۳: ۹۵) «پسر آرگیشتی اهدا کرد» ترجمه کرده است. نگارنده احتمالات نشانه زیر لحیم را زیاد می‌داند اما، شاید این دستبند از ابتدا از دو قسمت از دو جای مختلف از یک کتیبه ساخته شده که به هم

1- Hutuini
2- Šiwini
3- IM
4- Elipuri
5- Quera
6- Šebitu

آن آرگیشتی اول یا فرزند او ساردوری دوم دانسته شده اما فلزنبشته با بی‌دقتی ایجاد شده چون ترکیبی از رسم‌الخط‌های جدید و رنسانس است و کاتب در زیبانویسی آن دقت به خرج نداده بنا بر این تشخیص دوره نگارش آن را مشکل کرده است. کتیبه مرکب از دو واژه $^m\text{ar-ii š-ti}$ و šš-tú-ú است که می‌تواند šš-tú-ú-ni یا šš-tú-ú-ri یا šš-tú-ú-li بوده باشد. بن ttt در زمان شاهان متعدد استفاده شده پس نمی‌توان از روی این واژه به زمان نگارش کتیبه پی برد.

نگارنده بر این نظر است که این دستبند در دوران باستان می‌توانسته از محوطه‌ای با دلایل متعدد به محوطه دیگر انتقال یابد. شاید این دستبند از ابتدا از دو قسمت از دو جای مختلف از یک کتیبه ساخته شده که به هم لحیم شده‌اند. دو ردیف تزئینات روی دستبند در دو انتهای باز آن ضخیم‌تر و واژگان ابتدا و انتهای کتیبه داخل دستبند نیز ناقص هستند پس شاید این کتیبه را ابتدا از کتیبه‌ای بزرگ‌تر جدا و تبدیل به دستبند کرده و دو سر آن سوراخ کرده باشند. پس از آن روی دستبند تزئیناتی افزوده‌اند.

شاید دستبند صرفاً به دلیل نام آرگیشتی به هر دلیل از کتیبه‌ای بزرگ‌تر بریده شده و سازنده برای اینکه آن را به اندازه لازم در آورد به بخش دیگری که ni-ee šš-tú-ú بوده متصل کرده است و در قید و بند دستوری آن نبوده یا به زبان اورارتویی تسلط نداشته است. در این صورت ترجمه کتیبه به شکل به هم پیوسته جایز نیست چون دو واژه مجزای «آرگیشتی» و «اهدا کرد...» در اینجا به یکدیگر پیوسته نبوده‌اند، هرچند وجود ni بنوت در زیر لحیم دستبند غیر ممکن نیست. همچنین به دلیل رسم‌الخط بد این دستبند شاید نتوان آن را هدایی به خدای همچون خالدی دانست.

سپاسگزاری

نگارنده لازم می‌داند مراتب سپاس خود را از همکاری و الطاف همکاران در اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان، به ویژه جناب آقای مهندس علیزاده سوستانی (مدیر کل محترم استان)، جناب آقای دکتر جهانی، جناب آقای دکتر باقریان، سرکار خانم قوامی (امین اموال موزه رشت) و جناب آقای غفاری

84 - 5-79 - A 256-257) و دیگر خدایان نیز تقدیم شده است اگرچه بیشتر کتیبه‌ها به خالدی تقدیم می‌شدند. نگارنده به دلیل رسم‌الخط بد این دستبند آن را متعلق به شیئی مهم یا محوطه‌ای مقدس و تقدیم شده به خالدی نمی‌داند.

دلایان و گریان (6) (Dalalian & Grekian, 2004) و همچنین کوناردپیلر (70) (Konard Piller, 2010) و نگارنده احتمال گستردگی مرزهای اورارتور را تا گیلان نمی‌دهند. کوناردپیلر (69) (Konard Piller, 2010) تجارت یا جنگ را علت وجود این کتیبه در تالش می‌داند و سفال اورارتویی نیز در محل پیدا نشده است. او دستبند را هدیه پادشاه اورارتویی نمی‌داند و ارتباط مستقیم میان اورارتوها و این منطقه غیرقابل اثبات است. همچنین به نظر او دستبندهای دیگر این محوطه از لحاظ شکل و موتیف مشابه این دستبند هستند پس این دستبند در این محل ساخته شده است (66) (Konard Piller, 2010). سالوینی (102) (Salvini, 1991) نیز ارتباط مستقیم اورارتوها با این منطقه را رد کرده است. پاتس این دستبند را متعلق به جنگجویی می‌داند و این دستبند را نه در حکم هدیه‌ای از سوی اشراف اورارتویی بلکه آن را غنیمتی از یک مکان مقدس اورارتویی و تقدیم شده به خالدی می‌پندارد. پاتس همچنین احتمال می‌دهد این دستبند در زمانی پس از تسلط اورارتوها بر آذربایجان غربی ساخته شده باشد (forthcomming). به نظر نگارنده کتیبه را از شیئی اورارتویی جدا کرده‌اند. نگارنده با رزمجو (۱۳۸۳: ۹۵) هم‌نظر است که وجود این دستبند در گیلان نشان از نفوذ اورارتوها در این منطقه نیست بلکه در دوران باستان نقل و انتقال اشیاء به شکل‌های مختلف در زمان حکومت پادشاهان یا پس از آن‌ها وجود داشت و تا کنون نیز ادامه دارد و نقل و انتقال اشیاء به شکل‌ها و دلایل مختلف انجام می‌شده است (11) (Salvini, 1991).

برآیند

دستبند تول تالش فلزنبشته‌ای اورارتویی است که تا کنون چندین بار از سوی پژوهشگران مطالعه شده است. آنان گاه این دستبند را نشانگر بسط مرزها یا تأثیرات اورارتوها و گاه شیئی به غنیمت گرفته شده می‌دانند. در مقالات پیشین کتیبه دستبند از

هریس (پایگاه تالش) ابراز دارد.

منابع

الف) فارسی

کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی.

خلعتبری، محمدرضا، ۱۳۸۳، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تول تالش گیلان، گیلان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.

رزمجو، شاهرخ، ۱۳۸۳، «یک دست‌بند مفرغین با نوشته اورارتویی از تول گیلان»، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تول تالش گیلان، گیلان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، صص ۹۷-۹۲.

میلیکشویلی، گئورگی، ۱۳۸۷، زبان اورارتو، ترجمه حمیده بحرانیان، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.

ب) غیرفارسی

Belli, O., 1991, *rrr e Deposits and Mining in Eastern Anatolia in the Urartian Period: Silver, Crrrrr ddd Ir,,,,* In: *Urartu: a metalworking center in the first millennium B.C.E. (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 - October 1991*, R. Merhav (ed.), pp. 16-41, Jerusalem.

Benedict, W. C., 1960, rrrrr rāāā “” Hrr riss s JAOS 80, pp. 100-104.

Dalalian, T.; & Grekian, Y., 2004, āāā Urrrtian Brcelet frmm Gil””, *Iran and The Caucasus*, Vol. 8.1, pp. 1-6, Leiden-Boston, Brill.

Diakonoff, I. M., 1967, *Elamskij*, Moskva.

Dillll , A. .. , & Dioool, B., 2003-2004, MMt ” Artifacts and Weapons with Cuneiform Icccritt i””, In: *Urartu: Savaş ve estetik (Urartu: War and Aesthetics)*, pp. 119-128, Istanbul, Yapi Kredi Cultural Activities.

Salvini, M., 2008, *Corpus dei Testi Urartei*, Vol. I and III, Roma: CNR.

باشاش کنزق، رسول، ۱۳۸۳، «قرائت کتیبه دستواره مفرغی تول گیلان»، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تول تالش گیلان، گیلان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، صص ۹۰-۸۳.

—————، ۱۳۹۰، «خط و زبان و آثار کتیبه‌دار در گیلان قرون نهم و هشتم قبل از میلاد»، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۷۶-۷۱.

پیوتروفسکی، بوریس، ۱۳۸۳، تمدن اورارتو (بخش اول: پادشاهی وان اورارتو)، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی

Fournet, A., 2011, oooott smne Features of Lddddd in Hrr ria,,, *Aramazd*, Vol. 4, ISSUE 1, pp. 43-59, Yerevan: Association for Near Eastern and Caucasian Studies.

Ghrishman, R., 1964, rrr xx Oeillères en Bronze des Rii s d’Urart,,, *Artibus Asiae*, Vol. 27, pp. 49-60.

Gropp, G., 1981, EEn eeergggsshirr ddd rrr eitwggnn uus Urrr“,,, *Iranica Antiqua*, Vol. XVI, pp. 95-123.

Konard Piller, C., 2010, NNr thrr n Irnn in the Iron Age II and III: A Nii grrrr ff Urar“u””, *Aramazd*, Vol. V, ISSUE 2, pp. 53-75.

König, F. W., 1955-57, *Handbuch der Chaldischen Inschriften*, AFO 8, Graz.

Negahban, E. O., 1996, *Marlik (The complete excavation report)*, Vol. 1, Philadelphia: University of Philadelphia.

Potts, D. T. (forthcoming), "The Uruk and the Urartian Empire," *Festschrift für Oscar Muscarella*.

Ruder, A., & Merhav, R., 1991, "The Production of Metal Artifacts in the Urartu Center," In: *Urartu: A Metalworking Center in the First Millennium B.C.E.* (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 - October 1991, R. Merhav (ed.), pp. 333-353, Jerusalem.

Salvini, M., 1991, "The Urartu Center," In: *Urartu: A Metalworking Center in the First Millennium B.C.E.* (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 - October 1991, R. Merhav (ed.), pp. 3-13, Jerusalem.

———, 2012, *Corpus dei Testi Urartei*, Vol. IV, Roma: CNR.

Vahdati, A., 2007, "The Dating of the Talish: A Dating Problem," *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, pp. 125-138.

Zimansky, P., 1995, "The Material Cultures as State Assemblage: An Anomaly in the Archaeology of the Urartu," *Bulletin of the American School of Oriental Research* 299/300, The Archaeology of Empire in Ancient Anatolia, Aug-Nov, American School of Oriental Research: 103-115.

تصاویر (همه تصاویر توسط نگارنده از دستبند گرفته شده‌اند).



تصویر ۱: دستبند با کتیبه اورارتویی از تول تالش.



تصویر ۲: تزئینات روی دستبند که در لبه ضخیم‌تر شده‌اند.



تصویر ۳: تصاویر از کتیبه اورارتویی داخل دستبند.

تصاویر رنگی



نقشه ۱: مناطق مورد مطالعه که سفال‌های دالمایی آن در موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند (با کمی تغییرات، برگرفته از (Tonoike, 2009: fig. 4).



تصویر ۱: نقشه دره هلیلان و موقعیت تپه گوران (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۴، نقشه درب گنبد).



تصویر ۲: عکس هوایی از دره هلیلان و موقعیت تپه گوران (نگارندگان، برگرفته از www.googleearth.com).



تصویر ۴: فضای شمالی گوردخمه.



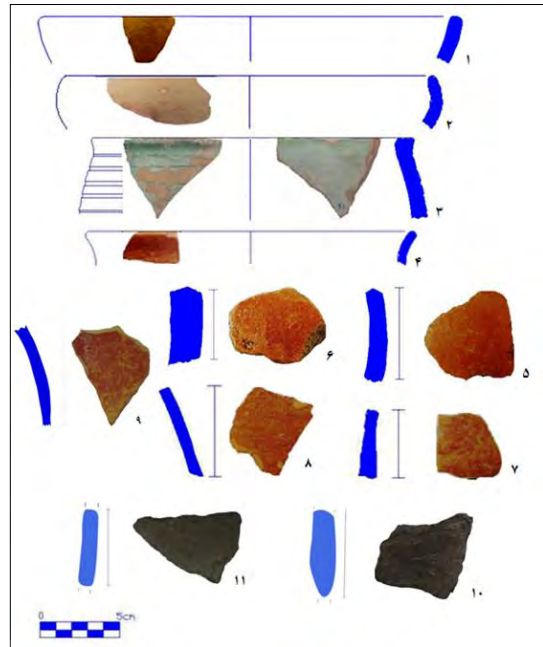
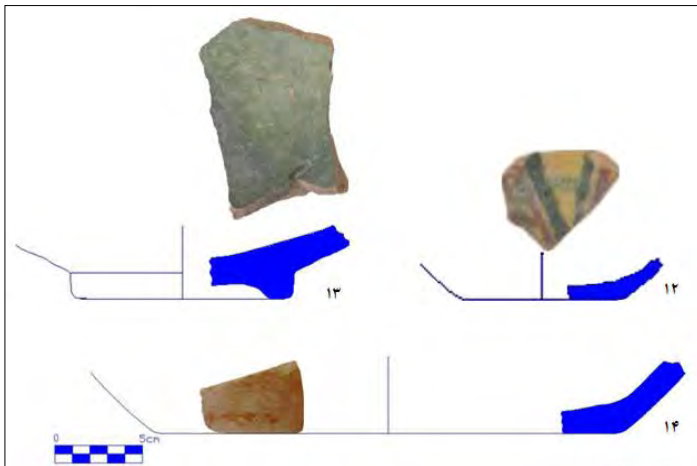
تصویر ۳: فضای داخلی گوردخمه.



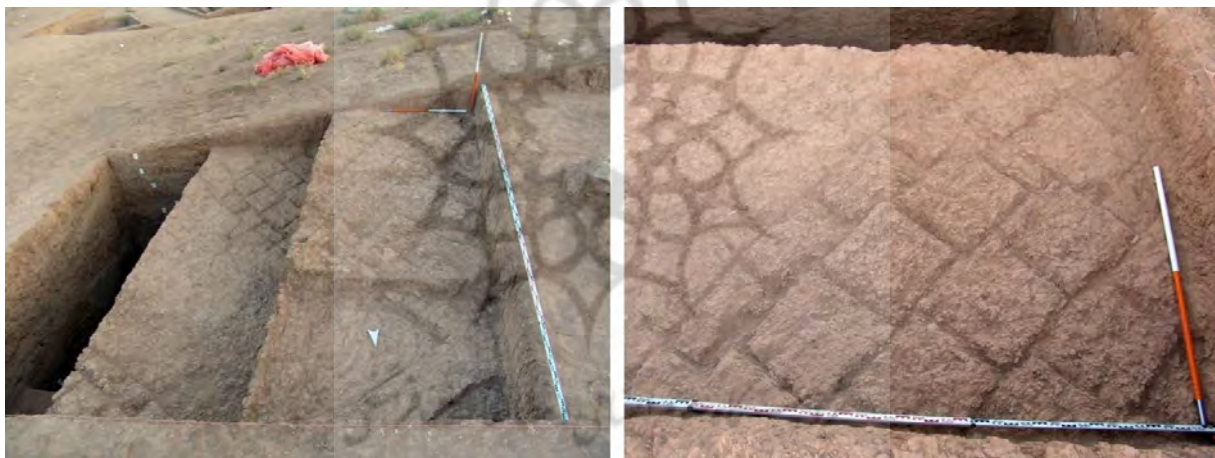
تصویر ۶: گور موجود در فضای غربی.



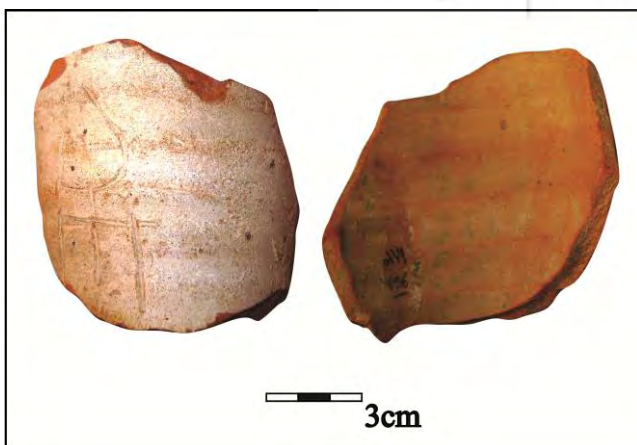
تصویر ۵: فضای طاقچه مانند غربی.



تصاویر ۷ و ۸: نمونه سفال‌های گویچه قلعه.



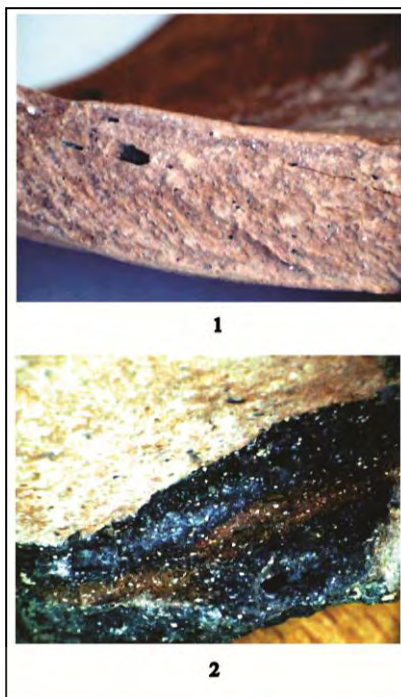
تصویر ۹: سازه خشتی هخامنشی تپه رحمت آباد (Azizi et al., 2014: 10, Fig 10).



تصویر ۱۱: پوشش غلیظ بر سطح بیرون لیوان‌های دهانه غلامان.



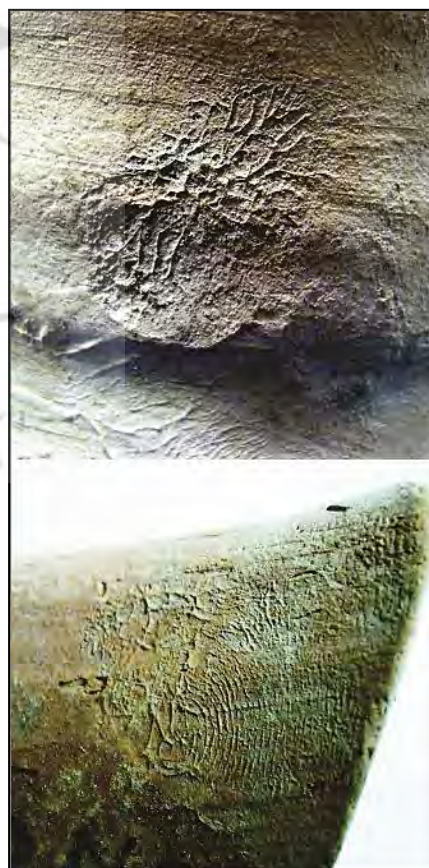
تصویر ۱۰: نمونه‌های از سفال هخامنشی ترانسه G.



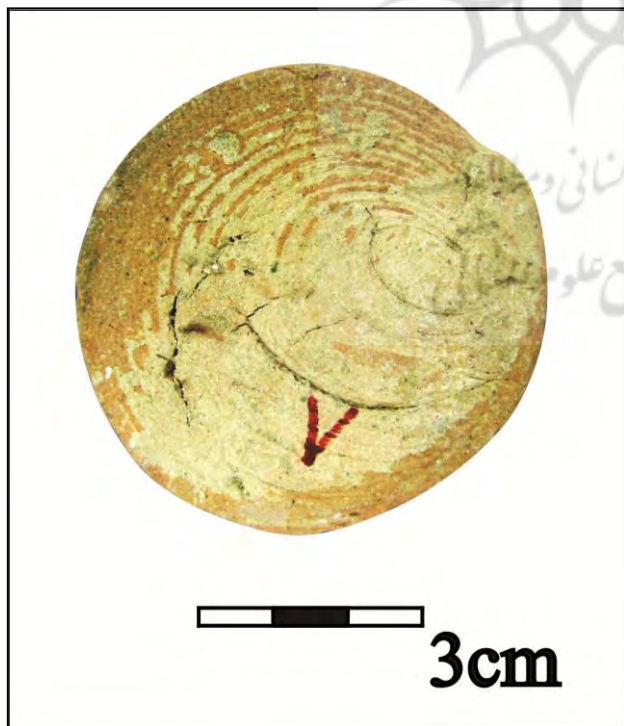
تصویر ۱۲: (۱) روند اکسیداسیون، (۲) پخت احیاء لیوان‌های دهانه غلامان.



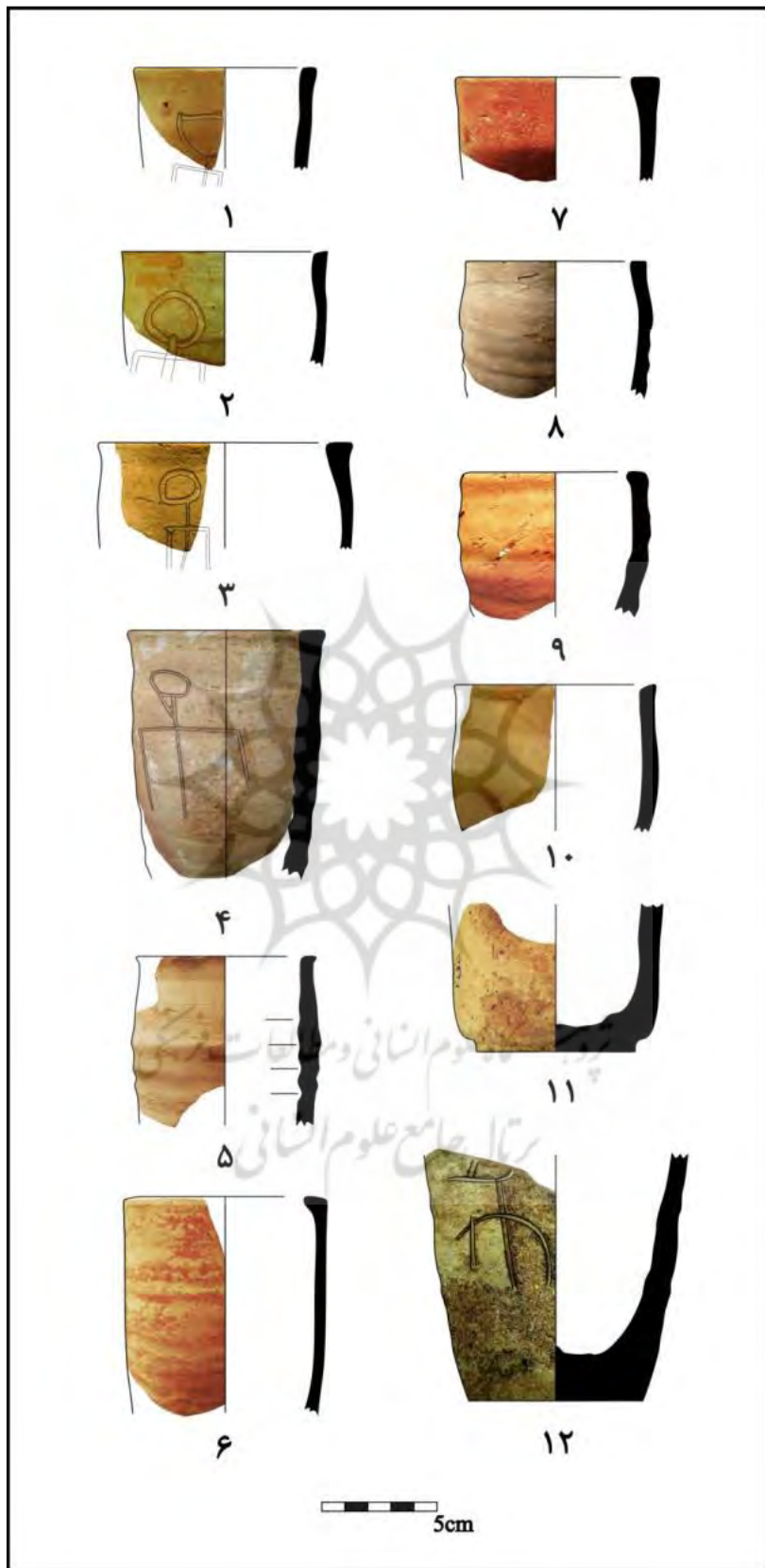
تصویر ۱۳: آمیزه گیاهی در بافت لیوان‌های دهانه غلامان.



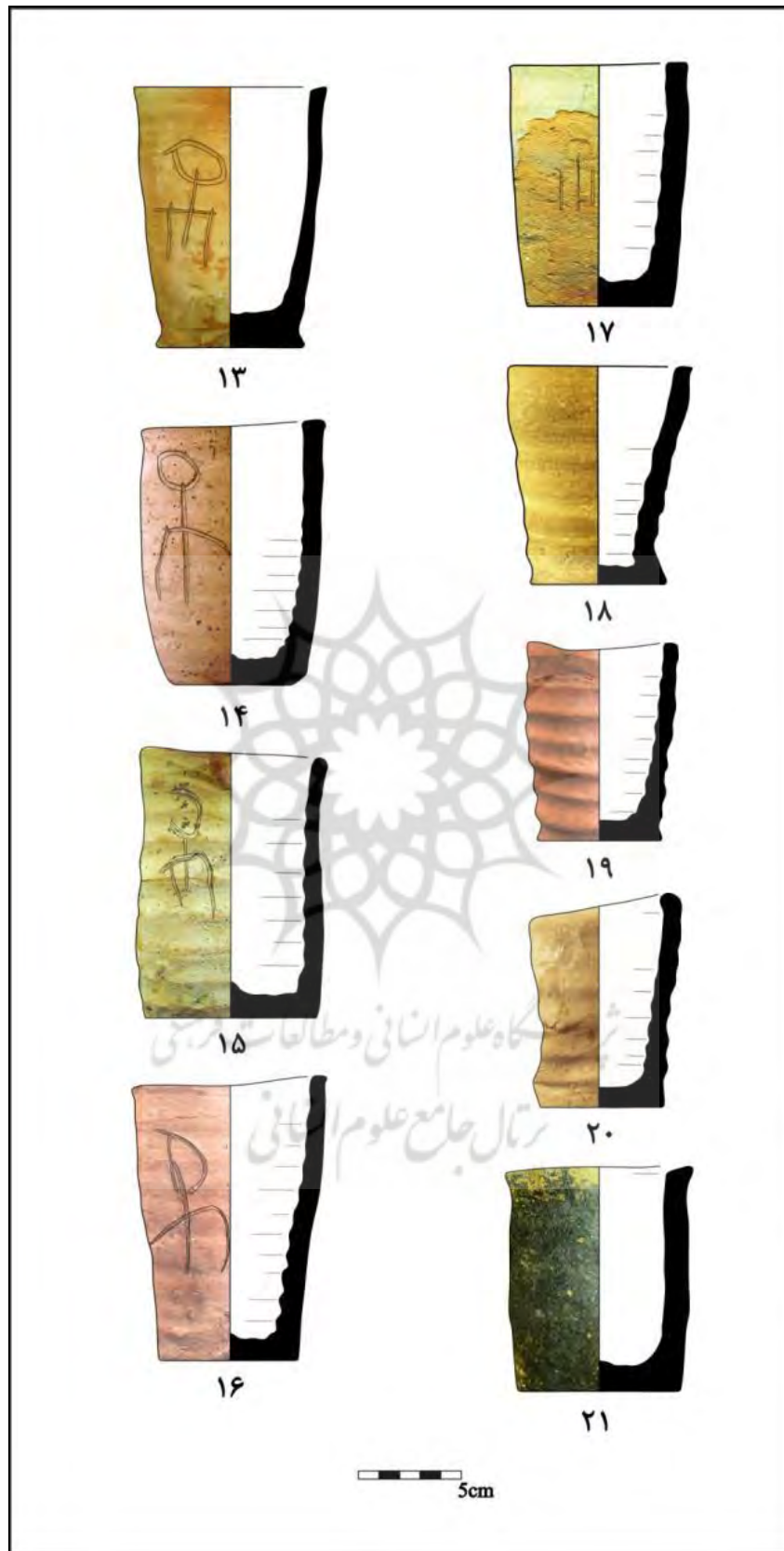
تصویر ۱۴: اثر انگشت سفالگر بر روی لیوان‌های دهانه غلامان.



تصویر ۱۵: اثر برش نخ بر کف لیوان‌های دهانه غلامان.



تصویر ۱۶: نمونه لیوان‌های دهانه غلامان.



تصویر ۱۷: نمونه لیوان‌های دهانه غلامان.